

بان شخص مایه نبات بر مثل آن فضلا تواند شد  
 و این شیزها تا قضا است که بعضی استی که در پیران خود  
 تصور کنند و ایله تقوی بر فضلا آرند که شایر که در  
 مرتبه آن پیران یازیده باشند و بر فرض آنکه از  
 ایشان فروتر باشند اندک فضیلت که در ذات خضر  
 باشد اشرف تواند شد از فضیلت بسیار که در ذات  
 غیر او باشد و باین خیال باطل خود را عوذه از تشیع عقلا  
 و تویح فضلا دارند چنانکه گفته اند **نظم** ان افحوت بالاء  
 باو مضو اسلفا قلن صدقت ولكن بئسما ولداه حضرت  
 تم مکارم اخلاق علیه السلام من المکتب الخفاق فرمود لا  
 تاوونی بالنسایکم و التوونی باعناکم و حضرت امیر المؤمنین  
 و امام البقیع علی بن ابی طالب صدوق الله علیه و آله فرمود  
**نظم** انا ابن نفسی و کنتی آدم من عجم کنت اومن العرب  
 ان الفقی من یقول ما اناذ ان لیس الفقی من یقول کان ابی

نقل

و نقلت از فضلا اده ساط یونان که بر غلامی افتخار کرد  
 غلام گفت اگر مایه نبات تو جایز است تا خواست که نمود  
 بان آراسته آن زینت در جامه است زور تو و اگر  
 مرکوب چاکت که بر آن سواری آن کمال است  
 ز ترا و اگر فضیلت پدر است صاحب آن فضیلت  
 ایشانند ز تو چون بچکدام از جهات فضیله آنان تویح  
 اگر هر یک حق خود را آستر داده کنند بلکه چون تویح  
 نقل شده احتیاج باستره او نیست پس ترا چه  
 شرف باشد و مردیست که میبکی در صحبت صاحب  
 شرفی بود که با سبب و یشوی نباتات می نمود در  
 اشتها خواست که آب و همین بنیدازد بعد از آن که اطرا  
 احتیاط کرد و موضعی لایق با زینت بر روی آن صاحب  
 ثروت انداخت حاضران زبان بعتاب دراز کردند  
 حکیم گفت ادب آنست که آب او من با شمس مواضع